

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۶

هزار و سیصد و هشتاد و هشت - نیمسال دوم

مقالات

- دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی
- حق بایع برای رفع عیب مبیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران
- مسؤلیت مدنی در قبال حوادث طبیعی (بررسی تطبیقی مبانی، محدودیت‌ها و رویه قضایی با تأکید بر زلزله)
- فسخ قرارداد کار در حقوق ایران پیش و پس از تصویب قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری
- اجرای فراسرزمینی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تکیه بر رویه کمیته حقوق بشر
- سیستم اطلاعاتی مطمئن در قانون تجارت الکترونیکی
- رویکرد متعارض دولت‌ها به حق تعیین سرنوشت خارجی: بررسی نظریات دولت‌ها در قضیه کوزوو
- ملاحظاتی بر شورای قانون اساسی فرانسه
- «رفتار عادلانه و منصفانه» دولت میزبان با پیمانکاران خارجی
- غرامت در دعاوی ناشی از قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی (غیر از سلب مالکیت)
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و منابع طبیعی مشترک

موضوع ویژه: حقوق نفت و گاز در نظام ملی و بین‌المللی

- چرا حقوق نفت و گاز؟
- پیوند میان بخش انرژی و مقررات سازمان جهانی تجارت
- ثبات قراردادی با تأکید بر نمونه قراردادهای اکتشاف و استخراج نفت
- شرکت‌های نفتی و معضل اعمال حمایت دیپلماتیک توسط ایران
- مالکیت خصوصی بر منابع نفت و گاز در حقوق ایالات متحد آمریکا
- حل اختلافات سرمایه‌گذاری در معاهده منشور انرژی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن

نقد و معرفی

- تأملی انتقادی بر لایحه «آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»
- نقد و ارزیابی طرح نمایندگان مجلس جهت انتقال و دوره‌ای کردن مقر سازمان ملل متحد
- اجلاس کپنهاگ (۲۰۰۹) و ضرورت مقابله با تغییرات آب و هوایی





دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی

دکتر محمد فرجیها*

محمد باقر مقدسی**

چکیده: به رغم پیش‌بینی حق داشتن وکیل در کلیه مراحل دادرسی کیفری در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی، به رسمیت شناختن این حق در مرحله تحقیقات پلیسی در برخی از نظام‌های دادرسی با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو است. از آنجایی که بسیاری از تصمیمات قضایی در مورد متهم مبتنی بر دلایل، اسناد و مدارکی است که در مرحله تحقیقات جنایی پلیسی و از رهگذر اقدام‌های ضابطان قضایی جمع‌آوری و ارائه می‌شود، محروم کردن متهم از مشورت با وکیل مدافع، ممکن است حقوق دفاعی وی را در معرض مخاطره قرار دهد. هر چند، برخی از طرفداران الگوی کنترل جرم بر این باورند که دسترسی متهم به وکیل موجب بروز اختلال در فرآیند کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرمان و افشای اطلاعات مجرمانه مربوط به پرونده می‌شود. این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی دستاوردهای حقوق تطبیقی در زمینه چگونگی ایجاد تعادل و توازن میان دغدغه‌های مربوط به شناسایی و دستگیری مجرمان و تضمین برخورداری متهم از دادرسی عادلانه و به‌ویژه حق دسترسی به وکیل، خلأها و نارسایی‌های نظام کیفری داخلی را در این زمینه مورد نقد و بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: تحقیقات پلیسی، دادرسی منصفانه، دسترسی به وکیل، کشف جرم، فرآیند کیفری، حق دفاع

Email: m_farajitha@yahoo.com

* استادیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس

Email: mbmoghadasi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

۱- مقدمه

یکی از تحولات مهم آیین دادرسی کیفری در نیمه دوم قرن بیستم تقویت حقوق دفاعی متهم از رهگذر تسهیل شرایط دخالت وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی است. پس از پایان جنگ جهانی دوم با تنظیم اسناد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها الزام بیشتری به تضمین رعایت حقوق و آزادی‌های عمومی و تأمین شرایط لازم برای تحقق دادرسی منصفانه پیدا کردند. یکی از جلوه‌های دادرسی منصفانه امکان برخورداری متهم از وکیل مدافع در فرآیند کیفری است.^۱ به‌رغم تأکید نظام‌های حقوقی بر ضرورت حضور وکیل مدافع در تمامی مراحل فرآیند کیفری سازوکارهای موجود در نظام‌های تفتیشی حضور وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی و به‌ویژه تحقیقات پلیسی با محدودیت‌هایی روبه‌رو ساخته است. به عبارت دیگر هر چه نظام‌های حقوقی گرایش بیشتر به سوی کاهش جنبه سرّی بودن تحقیقات مقدماتی و تقویت بُعد ترافعی آن داشته باشند به همان نسبت مداخله و پذیرش وکیل در این مرحله گسترده‌تر خواهد شد.^۲ اهمیت مرحله تحقیقات مقدماتی و دلایل و مدارکی که توسط پلیس جمع‌آوری می‌شود ضرورت حضور وکیل را بیش از پیش آشکار ساخته است. تصمیمات قضایی و سرنوشت متهم یا متهمان پرونده تا حدود زیادی در گرو چگونگی انجام تحقیقات پلیسی است. عدم رعایت حقوق دفاعی متهم در این مرحله و اعمال فشارهای فیزیکی، روحی و روانی به وی ممکن است منجر به پذیرش اتهام شده و محکومیت کیفری او را به دنبال داشته باشد. از این رو در بیشتر نظام‌های دادرسی کیفری حضور وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است و تنها در برخی موارد استثنایی مداخله وکیل در این مرحله با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. در ایران، قانون آیین دادرسی کیفری پیشین (مصوب ۱۳۹۰) حضور وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی را به صورت محدود پذیرفته بود ولی در اصلاحات بعدی این قانون، می‌توان ردپای عدم تمایل قانون‌گذار در به رسمیت شناختن این حق را آشکارا ملاحظه کرد.

این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی دستاوردهای نظام دادرسی کیفری تطبیقی به‌ویژه

۱. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹.

۲. جلیل امیدی، «دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۳۳.

انگلستان، و توصیف وضعیت کنونی در ایران، سازوکارهای قانونی و قضایی برای تقویت نقش وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی را به نظام دادرسی کیفری داخلی معرفی کند.

۲- حق دسترسی به وکیل در اسناد بین‌المللی

در اسناد بین‌المللی حقوق بشری دسترسی به وکیل ناظر بر مرحله یا مراحل خاصی از فرآیند کیفری نیست و متهمان حق دارند در تمامی مراحل فرآیند کیفری از حمایت‌های قانونی وکیل برخوردار باشند. حضور وکیل می‌تواند متهم را در دفاع کمک و یاری کند و به علاوه مانع سوء استفاده احتمالی نیروهای پلیس در حین انجام وظایفشان شود.^۳ مداخله وکیل در فرآیند کیفری موجب می‌شود تمامی اقدام‌ها و فعالیت‌های مأموران پلیس از جمله؛ کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان و بازجویی از آنها تحت نظارت و کنترل قرار گیرد. با این حال، فرهنگ حاکم بر سازمان پلیس، بهره‌مندی متهم از این حق در مرحله تحقیقات پلیسی موجب ایجاد اختلال در فرآیند کشف جرم و لو رفتن سرخ‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده توسط آنان خواهد شد. برخی از افسران پلیس بر این باورند که مبارزه همه‌جانبه با جرم، به‌ویژه جرم‌های سازمان‌یافته، ایجاب می‌کند که در مراحل اولیه پس از دستگیری، که احتمال دستیابی به دلایل بیش از زمان‌های دیگر است، مداخله وکیل در فرآیند بازجویی از متهم محدود شود زیرا آگاهی وکیل از محتویات پرونده موجب از بین بردن دلایل جرم، فرار دیگر متهمان و هم‌دستان و نیز عدم همکاری متهم با پلیس خواهد شد.

به نظر می‌رسد تحت تأثیر این استدلال‌ها، اسناد بین‌المللی پیشین حضور وکیل مدافع در مرحله پلیسی را به صراحت به رسمیت نشناخته بودند. نگاهی اجمالی به محتوای بندهای «ب» و «د» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۴ و بند «ج» قسمت ۳

۳. حسنعلی مؤذن‌زادگان، «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن»، رساله دکتری حقوق

جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳، ص ۱۸۲.

۴. ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «... ۳- هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقبل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت: ... ب) وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد ... د) در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح اقتضا نماید از طرف دادگاه راساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت ...»

ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۵، این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که مرحله تحقیقات پلیسی مورد توجه این اسناد نبوده است. با این حال رویه قضایی به‌ویژه رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در تفسیر ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می‌کند متهم باید از حمایت حقوقی وکیل مدافع از همان مرحله نخستین تحقیقات پلیسی بهره‌مند شود.^۶ بر اساس رأی دادگاه مذکور در پرونده «ماری»^۷، محرومیت متهم از حق دسترسی به وکیل در طول بازجویی به مفهوم نقض اصول دادرسی عادلانه است.^۸

شماری از اسناد بین‌المللی خاص به طور صریح بر حق متهم در بهره‌مندی از وکیل در مرحله پلیسی تأکید کرده‌اند. برای نمونه، «اصول اساسی نقش وکلای دادگستری»^۹ بر ضرورت حضور وکیل در کلیه مراحل رسیدگی از جمله مرحله کشف جرم (ماده ۱) و الزام دولت‌ها در مطلع ساختن متهمان از حق انتخاب وکیل مدافع (ماده ۵) تأکید کرده است. سند مذکور تأخیر در دسترسی متهم به وکیل در مرحله پس از بازداشت را تنها برای مدت ۴۸ ساعت مجاز شناخته است (ماده ۷). این استثنا برای مقابله با جرایم خطرناک در نظر گرفته شده است. پیش‌بینی محدود کردن حق دسترسی به وکیل در جرم‌های مهم در برخی از اسناد بین‌المللی در واقع پاسخی است به دغدغه‌های پلیسی که ارتباط وکیل مدافع با متهم را مانع انجام تحقیقات جنایی مؤثر می‌داند. بیشتر نظام‌های حقوقی به منظور جلوگیری از سوء استفاده احتمالی تشخیص اعمال محدودیت‌های قانونی در این زمینه را بر عهده مقام قضایی گذاشته‌اند. همچنین، در این سند بر لزوم محرمانه بودن ارتباط‌ها و گفت‌وگوهای وکیل و متهم تأکید شده است (ماده ۸).

از دیگر اسناد بین‌المللی خاص می‌توان به «مجموعه اصول برای حمایت همه افراد

۵. ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی «... ۳» هر کس که به یک جرم کیفری متهم می‌شود، حقوق حداقل ذیل را داراست: ... ج) دفاع از خود به‌شخصه یا از طریق وکیل منتخب خود، یا در صورتی که توانایی پرداخت حق‌الوکاله را نداشته باشد، هرگاه مصالح عدالت ایجاب کند بدون پرداخت هزینه به وی معاضدت قضایی ارائه شود ...»

۶. محمد آشوری و دیگران، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۳۵۵.

۷. Murray v. UK (1996)

۸. A. Sanders, R. Young, *Criminal Justice*, Oxford, Oxford University Press, 2007, p. 196.

۹. این سند در هشتمین کنفرانس سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان (۱۹۹۰) به تصویب رسید. سند مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ ماده است و به وظایف اصلی وکلا اشاره کرده است. در ماده ۸ این سند به طور صریح به وظیفه ضابطان در برابر وکلا و موکلان آنها اشاره شده است.

تحت هرگونه بازداشت یا زندان»^{۱۰} اشاره کرد. این مجموعه بر لزوم مطلع ساختن متهم از حق بهره‌مندی از وکیل و مشاوره با او (اصول ۱۱ و ۱۳)، حق بهره‌مندی از حمایت‌های وکیل تسخیری در مورد افرادی که توانایی مالی کافی ندارند (اصل ۱۷) و نظارت قضایی بر هرگونه اعمال محدودیت بر بهره‌مندی متهم از کمک‌های وکیل (اصل ۱۸) اشاره دارد.

۳- دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی در انگلستان

به موازات تمهیدات و سازوکارهای قانونی و قضایی پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی برای تضمین دسترسی متهمان به وکیل، قوانین و مقررات داخلی نیز درصدد به رسمیت شناختن این حق و حمایت‌های قانونی از حضور وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی برآمده‌اند. برای نمونه قانون جدید آیین دادرسی کیفری فرانسه، بر خلاف قانون آیین دادرسی کیفری سابق، مداخله وکیل در مرحله پلیسی را پذیرفته است.^{۱۱} بر اساس ماده ۱-۶۳ این قانون نیروهای پلیس قضایی باید شخص تحت نظر را حداکثر ۳ ساعت پس از دستگیری و به زبان قابل فهم برای وی از حق انتخاب وکیل آگاه سازند. ماده ۳-۶۳ قانون مذکور یادآور می‌شود در مواردی که فرد تحت نظر توانایی مالی ندارد می‌تواند از کانون وکلا درخواست کند برای او وکیل مدافع تعیین شود. همچنین، مذاکره محرمانه میان وکیل با موکل حداکثر برای مدت ۳۰ دقیقه پیش‌بینی شده است.^{۱۲} پس از گفت‌وگو چنانچه وکیل نظری در حمایت از موکل خود یا موارد نقض حقوق او داشته باشد می‌تواند جهت درج در پرونده ارائه کنند. در جرم‌های شدید مثل تبانی و توطئه و جرایم تروریستی به منظور تأمین نظم عمومی و جهت مبارزه با بزهکاری، تأخیر در بهره‌مندی از حمایت وکیل به

۱۰. این سند که مشتمل بر ۳۹ اصل است در سال ۱۹۸۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. برخی از اصول سند ناظر بر اصول کلی حقوق بشر بین‌المللی است. برای نمونه اصل ۱ بر لزوم احترام به شخصیت انسانی بازداشت‌شدگان، اصل ۶ بر ممنوعیت شکنجه و اصل ۳۶ به فرض بی‌گناهی اشاره می‌کند. همچنین برخی از اصول بر لزوم نظارت مقام‌های قضایی بر بازداشتگاه‌ها، دسترسی به وکیل و ارتباط با خانواده و برخورداری از کمک‌های پزشکی تأکید می‌کنند.

۱۱. گاستون استفانی، ژرژ لواسور و برنار بولک، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۶۹.

۱۲. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، معاونت توسعه قضایی قوه قضائیه، ترجمه عباس تدین و غلامحسین کوشکی، ۱۳۸۵.

مدت ۳۶ و ۷۲ ساعت پذیرفته شده است.^{۱۳}

نظام حقوقی انگلستان نسبت به فرانسه مقررات جامع‌تری در مورد حضور وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی پیش‌بینی کرده است. شاید ریشه این امر را بتوان در قلمرو گسترده‌تر اختیارات پلیس در نظام دادرسی انگلستان دانست. در این کشور پلیس موظف است متهم را از حق دسترسی به وکیل آگاه کند؛ هر چند، حق بهره‌مندی از وکیل تنها هنگامی برای متهم به وجود می‌آید که وی به پاسگاه پلیس منتقل شده باشد. به عبارت دیگر تا قبل از رسیدن متهم به پاسگاه پلیس، وی نمی‌تواند از حق دسترسی به وکیل بهره‌مند شود.^{۱۴} برای نمونه در مورد شکایت مظنونی که پلیس بدون توجه به درخواست او برای تماس با وکیلش وی را در هتل محل اقامتش مورد بازجویی قرار داده بود،^{۱۵} دادگاه با استناد به اینکه بازجویی در خارج از پاسگاه پلیس انجام شده بود اعتراض متهم به بازجویی از وی بدون حضور وکیل را نپذیرفت. منتقدان، این محدودیت را موجب سوء استفاده پلیس دانسته‌اند، زیرا ممکن است پلیس برای به تأخیر انداختن حق دسترسی متهم به وکیل، وی را با تأخیر به پاسگاه منتقل کند.

علاوه بر این، به منظور تضمین آگاهی متهم از حق دسترسی به وکیل سازوکارهای قانونی دیگری نیز در نظام دادرسی کیفری انگلستان پیش‌بینی شده است. در این نظام دادرسی، داشتن حق وکیل باید به طور کتبی به متهم ابلاغ شود. همچنین در پاسگاه‌های پلیس باید تابلوی حق دسترسی به وکیل به زبان‌های اصلی اروپایی در معرض دید عموم قرار داده شود. در صورت عدم تمایل متهم به مشورت با وکیل یا تماس تلفنی با او، علت عدم تمایل وی طی صورتجلسه‌ای در پرونده وی ثبت می‌شود. به هر حال انصراف متهم از داشتن وکیل مانع برخورداری وی از این حق در سایر مراحل دادرسی نخواهد بود.^{۱۶}

قانون‌گذار انگلستان به منظور مبارزه مؤثر با جرم‌های مهم و شدید طی شرایطی محرومیت از این حق را برای مدت ۳۶ ساعت مجاز دانسته است. در جرایم قابل کیفرخواست، رؤسای پاسگاه‌های پلیس و مقام‌های قضایی می‌توانند چنانچه حضور وکیل یکی از پیامدهای زیر را به دنبال داشته باشد به طور مکتوب نسبت به تأخیر ۳۶ ساعته در

۱۳. کاترین الیوت و کاترین ورنون، *نظام حقوقی فرانسه*، ترجمه صفر بیگزاده، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴.

14. A. Sanders, R. Young, *op. cit.*, p. 198.

15. R v. Kerawalla (1991)

16. P. Ozin, H. Norton, P. Spivey, *PACE: A practical guide to the Police and Criminal Evidence Act 1984*, Oxford, Oxford University Press, 2006, p. 98.

بهره‌مندی از این حق تصمیم اتخاذ کنند: ۱- از بین رفتن یا وارد آمدن آسیب به دلایل جمع‌آوری شده و یا ورود صدمه جسمی به اشخاص دیگر، ۲- مطلع شدن افراد مظنون که هنوز دستگیر نشده‌اند و ۳- به وجود آمدن موانعی برای کشف و ضبط اموال به دست آمده از رهگذر ارتکاب جرم. در تمامی این موارد دلایل تأخیر در بهره‌مندی از این حق باید در پرونده ثبت شده و به اطلاع متهم برسد.^{۱۷} بدیهی است این محدودیت باید مبتنی بر دلایل قانونی باشد و چنانچه شرایط مذکور برطرف شود، متهم باید در اسرع وقت از این حق و چگونگی استفاده از آن آگاه شود.^{۱۸}

در نظام دادرسی کیفری انگلستان بازجویی از متهم تنها در حضور وکیل مدافع انجام می‌شود مگر در مواردی که تأخیر در دسترسی متهم به وکیل مجاز شناخته شده؛ یا در مواردی که به تعویق انداختن بازجویی ممکن است موجب وارد آمدن آسیب شدید جسمی یا مالی شود؛ یا در مواردی که به هر دلیل امکان دسترسی به وکیل وجود نداشته باشد. وکیل مدافع می‌تواند موکل خود را از پاسخگویی به سؤالات پلیس باز بدارد. پلیس نمی‌تواند تنها به این دلیل که مداخله وکیل موجب عدم پاسخ متهم به سؤالات خواهد شد، مانع حضور وی شود. در صورتی که رفتار وکیل مانع بازجویی صحیح شود می‌توان وی را از حضور در جلسه محروم کرد. به هر حال، زیر سؤال بردن بازجویی یا تشویق متهم به عدم پاسخ به سؤالات پلیس نمی‌تواند مجوزی برای محروم کردن وکیل از حضور در جلسه بازجویی تلقی شود. چنانچه وکیل به دلایل مذکور از حضور در جلسه بازجویی ممنوع شود، متهم می‌تواند وکیل دیگری انتخاب نماید و تا آن زمان بازجویی متوقف می‌شود.^{۱۹} هرچند، به رغم تشریفات قانونی پیش‌بینی شده، پلیس انگلستان در عمل به ندرت به اعمال این محدودیت‌ها متوسل می‌شود. برای نمونه در سال ۱۹۸۷ تنها در یک درصد از پرونده‌ها این محدودیت‌ها به کار گرفته شده است.^{۲۰} همچنین یافته‌های پژوهشی در سال ۱۹۹۷ در مورد ۱۲۵۰۰ پرونده نشان داد در هیچ‌یک از آنها پلیس به اعمال این محدودیت متوسل نشده است.^{۲۱} نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که این آمار به این مفهوم نیست که تمامی متهمان از وکیل بهره‌مند بوده‌اند. پژوهش دیگری در سال

17. A. Sanders, R. Young, *op. cit.*, pp. 196-197.

18. P. Ozin, H. Norton, P. Spivey, *op. cit.*, p. 99.

19. R. Stone, *Textbook on Civil Liberties and Human Rights*, Oxford, Oxford University Press, 2006, pp. 143-144.

20. D. Brown, "Detention at the Police Station under the Police and Criminal Evidence Act 1984", *Home Office Research Study*, no. 104, London, 1988, p. 68.

21. T. Bucke, D. Brown, "In police custody: Police powers and suspects' right under the revised PACE codes of practice", *Home Office Research Study*, no. 174, London, 1997, p. 23.

۱۹۹۵ بیانگر این بود که تنها ۴۰ درصد متهمان درخواست برخورداری از وکیل را ارائه کرده‌اند و از میان آنها ۳۴ درصد از خدمات حقوقی وکیل به‌رمنده شده‌اند. به نظر می‌رسد شمار زیادی از متهمان به نقش و تأثیر وکلا باور ندارند. برخی از متهمان بی‌گناهی خود را آنقدر آشکار می‌پندارند که نیازی به استفاده از خدمات حقوقی احساس نمی‌کنند. برخی دیگر بر این باورند که استفاده از وکیل موجب تقویت سوء ظن پلیس به آنان می‌شود و ممکن است محکومیت آنان را به ناحق به دنبال داشته باشد.^{۲۲}

از آنجایی که ملاقات حضوری متهم با وکیل در تمامی موارد امکان‌پذیر نیست، نظام حقوقی انگلستان دسترسی تلفنی متهم به وکیل را نیز امکان‌پذیر دانسته است. این امر موجب تسریع در روند تحقیقات جنایی و کشف جرم می‌شود. هرچند، مشاوره تلفنی تهدیدی جدی برای محرمانه بودن گفتگوهای بین وکیل و متهم به شمار می‌آید. در این کشور، ۲۵ درصد مشاوره‌های حقوقی متهمان با وکلای خود به طور تلفنی انجام می‌شود. در صورت عدم معرفی وکیل و یا عدم شناخت وکلا از سوی متهم، پلیس فهرستی از وکلای دادگستری را جهت انتخاب ۳ نفر از آنان در اختیار متهم قرار می‌دهد. چنانچه وکیل مدافع برای ملاقات با موکل خود به پاسگاه پلیس مراجعه کند پلیس موظف است متهم را در همان لحظه و حتی در هنگام بازجویی از حضور وکیل آگاه سازد.^{۲۳}

به نظر می‌رسد نظام حقوقی انگلستان در کنار پیش‌بینی مواد قانونی مربوط به حق دسترسی متهم به خدمات حقوقی، دغدغه‌ها و ملاحظه‌های پلیس در مورد کشف جرم و دستگیری مجرمان و به نتیجه رساندن پرونده‌ها را نیز مغفول نگذاشته است و با اعمال محدودیت‌ها و استثنای در صدد ایجاد تعادل و توازن میان حقوق دفاعی متهم و تقویت کارایی نظام تحقیقات پلیسی برآمده است. موارد محدود توسل به تأخیر در دسترسی متهم به وکیل از سوی پلیس نیز بیانگر بالابودن کیفیت آموزش نیروهای پلیس در چگونگی استفاده از این حق و نیز به رسمیت شناختن حق برخورداری از حمایت‌های وکیل در طول تحقیقات پلیسی از سوی افسران پلیس است.

۴- دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی در ایران

مداخله وکیل در مرحله انجام تحقیقات پلیسی در نظام‌های دادرسی کیفری مانند ایران همواره با مخالفت‌هایی روبه‌رو بوده است. ریشه به رسمیت شناخته نشدن دسترسی به

22. A. Sanders, R. Young, *op. cit.*, pp. 199-200.

23. R. Stone, *op. cit.*, pp. 124-129.

وکیل در این مرحله را باید در دو حوزه میزان پاسخگویی و شفافیت در تصمیمات پلیسی و نیز نقش و کارکرد وکلای دادگستری در فرآیند دادرسی کیفری جستجو کرد. قوانین کیفری ایران بحث ضرورت حضور وکیل مدافع در مرحله انجام تحقیقات پلیسی را به صراحت ذکر نکرده‌اند. جدیدترین مستندات قانونی در مورد برخورداری متهم از وکیل مانند اصل ۳۵ قانون اساسی، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا (مصوب ۱۳۷۰)، ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) و بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳) ناظر بر مرحله تعقیب کیفری و مرحله دادرسی در دادگاه است و کماکان در مورد تحقیقات پلیسی موضوع را به سکوت برگزار کرده‌اند.

ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مصوب ۱۲۹۰ مقرر داشته بود «اقدامات کمیسره‌های نظمی در مورد دو ماده قبل [منظور جرایم مشهود و غیرمشهود است] موافق قواعد و ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.» از این رو به نظر می‌رسید این ماده به طور تلویحی حضور وکیل را در مراحل کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان نیز پذیرفته است. به عبارت دیگر همانطور که مستنطق موظف به پذیرش وکیل مدافع متهم است مأموران پلیس و کلانتری‌ها نیز حضور وکیل را در این مرحله می‌پذیرفتند. هر چند، در عمل حضور وکلا در واحدهای انتظامی از رویه خاصی تبعیت نمی‌کرد و همه چیز به ارتباط میان وکیل با مأموران پلیس، نوع اتهام، شخصیت متهم و ... وابسته بود.

بر اساس ماده ۱۱۲ ق.آ.د.ک. سابق در صورت برخورداری متهم از دسترسی به وکیل، وکیل مدافع او حق مداخله در تحقیق را نداشت و تنها می‌توانست پس از خاتمه بازجویی مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند اظهار کند و مطالب وی در صورت جلسه ذکر می‌شد. واژه «خاتمه بازجویی» بیشتر ناظر بر پایان انجام تحقیقات پلیسی است و شامل مواردی که متهم در بازداشت به سر می‌برد، نمی‌شود. با توجه به تفتیشی بودن قانون آیین دادرسی کیفری سابق این رویکرد چندان نیز عجیب به نظر نمی‌رسد. با توجه به اینکه در مواد مربوط به تحقیقات مقدماتی بر غیرترافعی بودن تحقیقات تأکید شده بود پذیرش حق وکیل، هرچند به صورت محدود، پیشرفت بزرگی محسوب می‌شد.

اصل ۳۵ قانون اساسی با تأکید بر حق طرفین دعوا در انتخاب وکیل با در نظر گرفتن

ناتوانی مالی برخی از متهمان در برخورداری از حمایت حقوقی وکلای خصوصی، تعیین وکیل از سوی دولت را برای آنان در مرحله رسیدگی در دادگاه ضروری دانسته است. اصل مذکور نیز برخورداری از وکیل را در مرحله دادرسی کافی می‌داند و اهمیت نقش تحقیقات پلیسی در پایه‌گذاری تصمیمات قضایی در مراحل بالاتر را مورد توجه قرار نمی‌دهد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با تصویب مصوبه‌ای در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا در سال ۱۳۷۰ و تعیین ضمانت اجراهای قانونی در صدد تضمین رعایت حق برخورداری از وکیل مدافع برآمده است. بر اساس این مصوبه عدم پذیرش وکیل موجب بی‌اعتباری تعقیب مرتکب و احکام صادره می‌شود. تأکید این مصوبه بر انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا به طور مطلق شائبه شمول این حق را در مرحله تحقیقات پلیسی به ذهن متبادر می‌کند. با این حال، در این مصوبه نیز سرایت این حق به کلیه مراحل دادرسی کیفری و از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی که توسط پلیس انجام می‌شود، ذکر نشده است.

نادیده انگاشتن حق دسترسی به وکیل در برخی از مراحل دادرسی کیفری به‌ویژه مرحله مقدماتی را باید در تأثیرات فقه جزایی بر نظام دادرسی کیفری جستجو کرد. از آن‌جایی که بر اساس دادرسی کیفری اسلام مرحله‌ای به نام تحقیقات پلیسی و تعقیب کیفری از سوی دادرسی وجود نداشته است و متهم باید توسط حاکم شرع محاکمه و محکوم شود، اظهارنظرهای فقها در مورد قضای اسلامی عمدتاً حول محور رسیدگی در محکمه است. حال آنکه در نظام‌های دادرسی مدرن بخش مهمی از دلایل و شواهد مربوط به مجرمیت یا براءت متهم در مراحل مقدماتی، یعنی اقدام‌های پلیس و تعقیب کیفری، گردآوری می‌شود و دسترسی متهم به وکیل در مراحل بعدی ممکن است تأثیر چندانی در سرنوشت وی نداشته باشد. تأثیر این رویکرد بر بی‌اعتنایی به موضوع دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی را می‌توان در آخرین اصلاحات انجام شده در قوانین شکلی آشکارا مشاهده کرد. طبق ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. (مصوب ۱۳۷۸) و تبصره آن، قاضی (در حال حاضر با احیای دادرسی بازپرس) الزامی نسبت به بیان حق دسترسی به وکیل به متهم ندارد. صرف‌نظر از اینکه محرومیت متهم از حق دسترسی به وکیل در مراحل اولیه فرآیند کیفری چه پیامدهایی به دنبال دارد، به نظر می‌رسد نبود سازوکارهای قانونی برای تضمین آگاه ساختن متهم نسبت به این حق، حقوق دفاعی بسیاری از متهمان بی‌سواد و فقیر را در معرض مخاطره قرار خواهد داد.

بر اساس ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. وکیل متهم تنها می‌تواند پس از خاتمه تحقیقات چنانچه مطالبی را برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام کند. قاضی نیز نسبت به ثبت اظهارات وکیل اقدام خواهد کرد. استفاده از عبارت مبهم و کلی «خاتمه تحقیقات» اختلاف نظرهایی را در میان حقوقدانان به دنبال داشته است. در حالی که برخی از حقوقدانان منظور از خاتمه تحقیقات را پایان مرحله تحقیقات مقدماتی می‌دانند، عده‌ای دیگر بر این باورند که منظور از خاتمه تحقیقات پایان هر جلسه بازجویی است. به عبارت دیگر پس از هر جلسه بازجویی وکیل متهم می‌تواند مطالب خود را بیان کند.^{۲۴} شورای علمی دادسرای عمومی و انقلاب تهران بر اساس اصل تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم نظر اخیر را پذیرفته است.^{۲۵}

گرچه واگذار کردن اختیار تشخیص ممنوعیت حضور وکیل به قاضی، همسویی تبصره ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. را با بند ۲ ماده ۱۸ «مجموعه اصول برای حمایت از افراد تحت هرگونه بازداشت و زندان» نشان می‌دهد ولی اعمال محدودیت در حق متهم برای دسترسی به وکیل آشکارا با اسناد بین‌المللی در تعارض است. بر اساس تبصره ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. مقام قضایی در موارد زیر می‌تواند از حضور وکیل متهم ممانعت به عمل آورد: ۱- مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد، ۲- مواردی که حضور غیرمتهم موجب فساد گردد و ۳- جرایم علیه امنیت. استفاده از واژگان و عبارت‌های مبهمی مانند «فساد» و «جنبه محرمانه» همگی تهدیدی علیه حقوق دفاعی متهم تلقی می‌شود و علاوه بر این مشخص نبودن محدوده و قلمرو جرم‌های امنیتی بهانه‌ای را برای ارائه تفسیرهای سلیقه‌ای و شخصی و محروم کردن متهمان از حقوق قانونی خود فراهم می‌آورد. همچنین به نظر می‌رسد فساد ناشی از عدم حضور وکیل مدافع در مراحل مختلف دادرسی از فساد احتمالی که به زعم قانون‌گذار ممکن است با حضور وکیل اتفاق بیفتد، کمتر نباشد. انتقادات مطرح شده نسبت به این تبصره^{۲۶} قانون‌گذار را بر آن داشت تا در سال ۱۳۷۹

۲۴. علی خالقی، همان، صص ۱۴۲-۱۴۱.

۲۵. محمدحسین شاملو احمدی، پیرامون دادسرا، اصفهان، نشر دادیار، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵.

۲۶. برای اطلاع بیشتر، نک: محسن دلاوری پاریزی، «حقوق متهم در مرحله تحقیقات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تطبیق آن در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، صص ۱۴۹-۱۴۵. همچنین، نک: اسدالله مسعودی مقام، «مطالعه تطبیقی حقوق متهم در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور

با ارائه طرحی اصلاح ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. را دنبال کند. در این طرح ممنوعیت حضور وکیل با اجازه دادگاه محدود به موارد امنیتی شده بود. طرح مذکور پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با ایراد شورای نگهبان روبه‌رو شد و اصلاح مجدد مصوبه مجلس توسط نمایندگان و تعمیم آن به «موارد منافی عفت و یا اقدامات تروریستی» نیز نظر شورای نگهبان را تأمین نکرد. پس از اصرار مجلس بر نظر خود موضوع برای حل اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع و مجمع در تاریخ ۱۳۸۲/۳/۱۷ بیان داشت «با عنایت به اینکه مهلت اجرای آزمایشی قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۹ به پایان می‌رسد، لذا ماده ۱۲۸ قانون مذکور و تبصره آن ابقا می‌شود.» بدین ترتیب مجمع تشخیص مصلحت نظام با استدلالی توجیه‌ناپذیر نظر شورای نگهبان را بر مصوبه مجلس ترجیح داد و بدین ترتیب تلاش‌های مجلس برای تقویت نقش وکیل در فرایند دادرسی کیفری ناکام ماند.^{۲۷} مطالعه اجمالی دیدگاه‌های ابراز شده از سوی شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام آشکارا دیدگاه‌های توأم با تردید و نگرانی این دو نهاد نسبت به مداخله و حضور وکلا در فرایند دادرسی را نشان می‌دهد. قوانین بعدی که به موضوع الزامی بودن حضور وکیل پرداختند از حیث قلمرو و محدوده مداخله وکیل تغییری را به همراه نداشتند.^{۲۸} هرچند برخی از حقوقدانان با تنقیح مناط ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. بر این باورند که متهم می‌تواند یک نفر وکیل در مرحله بازجویی پلیسی همراه خود داشته باشد و وکیل در این مرحله از همان

کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، صص ۱۵۸-۱۵۲.
 ۲۷. علی خالقی، همان، صص ۱۴۵-۱۴۴.

۲۸. در ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳) نیز اشاره‌ای به حضور وکیل در مرحله پلیسی نشده است. هرچند، طبق صدر ماده واحده ضابطان دادگستری در کنار محاکم و دادرها ملزم به اجرای مقررات قانون مذکور شده‌اند ولی بند ۳ تنها محاکم و دادرها را مخاطب قرار داده و اشاره‌ای به ضابطان نکرده است. این بند بیان کرده: «محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.» در بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۳) نیز قیود محدودکننده حضور وکیل تکرار شده است: «به منظور اجرای اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز به منظور تأمین و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی، هر یک از اصحاب دعوا حق انتخاب، معرفی و حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضایی را به استثنای مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد و یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد می‌شود، دارند.»

اختیاراتی برخوردار است که بازپرس در مرحله تحقیقات داراست.^{۲۹}

پیش‌بینی حضور وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی در مواردی که فرد در معرض اتهام ارتکاب جرم‌های شدید و مهم قرار دارد ضروری‌تر به نظر می‌رسد. در جرایم مهم تعیین وکیل صرف‌نظر از درخواست یا عدم درخواست متهم می‌تواند در دفاع وی بسیار سودمند باشد. «حضور وکیل در جرایم مهم از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که می‌تواند تا حدود زیادی از افراط مقام‌های مجری عدالت کیفری پیشگیری نماید و در صورت تعدی به حقوق قانونی بازداشت‌شدگان مورد پیگرد قرار گیرد. استفاده از مشاوره برای کسی که تحت قدرت فائقه نظام دادگستری گرفتار آمده و رابطه او با جهان خارج قطع شده و حتی ممکن است تحت شرایط اجحاف‌آمیزی نیز قرار بگیرد به منزله‌ی دریچه‌ای خواهد بود که حداقلی از ارتباط با دنیای خارج را برای به دست آوردن حقوق قانونی وی ایجاد خواهد کرد.»^{۳۰} اصل ۳۵ قانون اساسی نیز این حق را به رسمیت شناخته است. با این حال اصل مذکور تنها محاکم را مخاطب قرار داده و اشاره‌ای به تعیین وکیل تسخیری در مرحله دادرسی و همچنین مرحله پلیسی نکرده است. ماده ۱۸۶ ق.آ.د.ک. و تبصره آن که به تعیین وکیل تسخیری اشاره کرده‌اند تنها ناظر به تعیین وکیل تسخیری در مرحله رسیدگی است و شامل مرحله تحقیقات مقدماتی و تحقیقات پلیسی نمی‌شود.

به رسمیت شناخته نشدن حق حضور وکیل در مرحله انجام تحقیقات پلیسی از یک سو و استدلال مخالفان مداخله وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی مبنی بر اینکه حضور وکیل موجب ایجاد اختلال در فرآیند کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان و مظنونان می‌شود بر چگونگی رفتار مأموران پلیس با وکلای دادگستری بی‌تأثیر نبوده است. هرچند، صدور بخشنامه از سوی نیروی انتظامی مبنی بر اینکه «وکلا در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می‌باشند لذا به طریق اولی همین حقوق نزد مراجع انتظامی نیز متصور است»^{۳۱} را باید گامی مثبت در راستای به رسمیت شناختن حضور وکیل

۲۹. محمدعلی اردبیلی، «نگهداری تحت‌نظر»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹.

۳۰. حسین غلامی، «حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص در اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز در اسناد بین‌المللی»، مجله امنیت وزارت کشور، سال چهارم، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۷۹، صص ۳۶-۳۵.

۳۱. به دنبال ارائه گزارش‌هایی مبنی بر رفتار نامناسب پلیس با وکلای دادگستری، کانون وکلای دادگستری طی نامه‌ای از فرمانده نیروی انتظامی خواستار نظارت بر چگونگی رفتار مأموران انتظامی با وکلای دادگستری می‌شود.

در مرحله تحقیقات پلیسی و تضمین حق دسترسی متهم به حمایت از سوی وکیل دانست.

۵- نتیجه‌گیری

حق دسترسی متهم به وکیل به عنوان یکی از شاخص‌های دادرسی منصفانه در بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. این معیار آنچنان اهمیت پیدا کرده است که چنانچه متهم در فرآیند کیفری از این حق محروم گردد چه بسا اعتبار نتایج تحقیقات کیفری زیر سؤال رفته و ادله گردآوری شده بی‌اعتبار شناخته شوند.^{۳۳} این ضمانت اجرا را می‌توان تمهیدی مؤثر جهت تضمین پذیرش وکیل در فرآیند کیفری دانست.

به نظر می‌رسد پذیرش یا عدم پذیرش وکیل ارتباط نزدیکی با میزان توانایی پلیس در بهره‌گیری از روش علمی کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان دارد. هرچه نظام‌های کشف جرم سنتی‌تر و غیرعلمی‌تر باشند، حضور وکیل موانع جدی‌تری بر سر راه آنان برای به نتیجه رسانیدن پرونده‌ها از رهگذر اجبار فیزیکی برای گرفتن اقرار ایجاد خواهد کرد. از این رو یکی از مؤثرترین روش‌های فراهم آوردن شرایط لازم برای پذیرش وکیل در واحدهای انتظامی، تجهیز پلیس به روش‌های مدرن و علمی جمع‌آوری ادله فیزیکی است. پیش‌بینی ضوابط و شاخص‌های عینی برای اعمال هرگونه محدودیت نسبت به حق دسترسی متهم به وکیل به منظور جلوگیری از هرگونه اختلال در فرآیند تحقیقات پلیسی نیز در پاسخگویی به دغدغه‌های مأموران کشف جرم سهم بسزایی خواهد داشت.

در نظام‌های دادرسی کیفری فرانسه و انگلستان، متهم در همه جرایم حق دارد که در

نیروی انتظامی نیز در پاسخ به این درخواست طی بخشنامه شماره ۱۳۷۵/۶/۲۹ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۹ بیان می‌کند: «حسب مفاد نامه شماره ۴۴۹۹ ب/۷۵/۶/۲۰ کانون وکلای دادگستری در بعضی یگان‌های انتظامی با وکلای دادگستری که برای انجام وظایف قانونی خود مراجعه می‌نمایند رفتار نامناسب و غیرقانونی شده است. از آنجایی که حضور وکیل در نزد مراجع قضایی مستند به تبصره ماده ۱۱۲ (۱۲۸) قانون آیین دادرسی کیفری در مراحل تحقیقات مقدماتی تجویز شده و برابر تبصره ۳ ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلان شغل قضا برخوردار می‌باشد لذا به طریق اولی همین حقوق نزد مراجع انتظامی نیز متصور است. علی‌هذا دستور فرمایید طی بخشنامه‌ای به کلیه یگان‌های تابعه ابلاغ نمایند که در برخورد با وکلای محترم دادگستری شئون آنان لحاظ شده و در حدود ضوابط و مقررات با آنان همکاری لازم معمول دارند».

۳۲. محمد فرجیها و محمدباقر مقدسی، «رویکرد تطبیقی به قاعده معتبر ناشناختن ادله در نظام عدالت کیفری کامن‌لا و ایران»، *مجله علمی - پژوهشی مدرس*، ش ۵۸، ۱۳۸۷، صص ۱۴۴-۱۱۳.

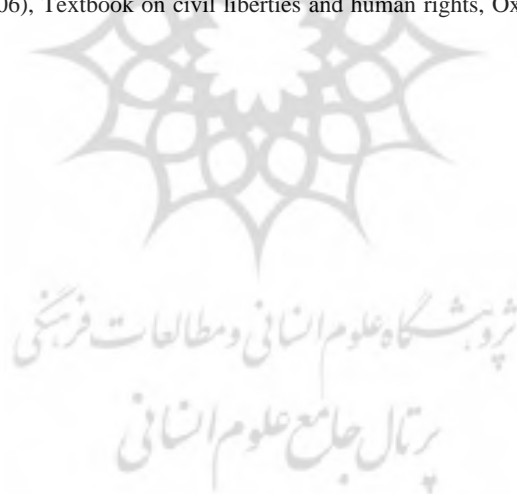
مرحله تحقیقات پلیسی از حمایت‌های وکیل قانونی خود بهره‌مند شود. اگر چه ممکن است بنابر شرایط خاص پرونده بهره‌مندی از این حق برای مدت زمان محدود به تأخیر بیفتد ولی در هر حال این اصل پذیرفته شده است که در هیچ شرایطی نمی‌توان متهم را برای همیشه از این حق محروم کرد.^{۳۳} سازوکارهای اتخاذ شده برای ایجاد تعادل و توازن میان حقوق دفاعی متهم و کارآیی و اثربخشی تحقیقات جنایی در نظام‌های دادرسی تطبیقی به‌ویژه انگلستان راهنمای مناسبی برای جهت‌گیری نظام دادرسی کیفری داخلی است. هرچند، هرگونه گرت‌برداری از نظام‌های تطبیقی باید با در نظر گرفتن پیش‌نیازهای تحقق این نهادهای حقوق کیفری و فراهم کردن بسترهای اجرایی و ملاحظه‌های بومی و فرهنگی انجام شود.

بی‌تردید، افزایش مداخله وکیل در فرآیند دادرسی کیفری کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های منجر به نقض حقوق دفاعی متهم را به همراه خواهد داشت. از این رو، اصلاح مقررات راجع به حضور وکیل در فرآیند کیفری، به طور خاص مرحله تحقیقات پلیسی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد و حسین بشیریه، سیدمحمد هاشمی و عبدالمجید یزدی، (۱۳۸۳) حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۳) نگهداری تحت‌نظر، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ اول.
۳. استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بولک، (۱۳۷۷) آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، جلد ۱، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
۴. الیوت، کاترین و کاترین ورنون، (۱۳۸۲) نظام حقوقی فرانسه، ترجمه صفر بیگزاده، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
۵. امیدی، جلیل، (۱۳۸۳) «دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ اول.
۶. خالقی، علی، (۱۳۸۷) آیین دادرسی کیفری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
۷. دلاوری پاریزی، محسن، (۱۳۸۱) حقوق متهم در مرحله تحقیقات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تطبیق آن در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

۸. شاملو احمدی، محمدحسین، (۱۳۸۴) پیرامون دادرسی، نشر دادیار، چاپ دوم.
۹. غلامی، حسین، (۱۳۷۹) حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص در اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز در اسناد بین‌المللی، مجله امنیت وزارت کشور، سال چهارم، شماره ۹ و ۱۰.
۱۰. فرجیها، محمد و محمدباقر مقدسی، (۱۳۸۷) رویکرد تطبیقی به قاعده معتبر ناشناختن ادله در نظام عدالت کیفری کامن‌لا و ایران، مجله علمی - پژوهشی مدرس، مدرس، ش ۵۸، ۱۳۸۷، صص ۱۴۴-۱۱۳.
۱۱. مسعودی مقام، اسدالله، (۱۳۸۰) مطالعه تطبیقی حقوق متهم در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. معاونت توسعه قضایی قوه قضائیه، (۱۳۸۵) قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین و غلامحسن کوشکی، در دست انتشار.
۱۳. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، (۱۳۷۳) حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
14. Brown, D. (1988), Detention at the police station under the Police and Criminal Evidence Act 1984, (Home Office Research Study No 104), London.
15. Bucke, T., D. Brown. (1997), In police custody: Police powers and suspects' right under the revised PACE codes of practice, (Home Office Research Study No 174), London.
16. Ozin, P., H. Norton, P. Spivey (2006), PACE: A practical guide to the Police and Criminal Evidence Act 1984, Oxford University Press, Oxford.
17. Sanders, A., R. Young (2007), Criminal justice, Oxford University Press, Oxford.
18. Stone, R. (2006), Textbook on civil liberties and human rights, Oxford University Press, Oxford.



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VIII, No. 2

2009-2

Articles

- Access to Legal Assistance in Police Investigations
- The Right of Buyer for Deficiencies of Goods
- Civil Responsibility Concerning Natural Incidents
- Revocation of Labor Contract according to the Law of Iran
- The Extra-territoriality of the International Covenant on Civil and Political Rights
- Secured Information System in Electronic Commerce Law
- Contradictory Approaches to the Right of Self Determination
- Some Considerations on the Constitutional Council of the French Republic
- "Fair and Just" Treatment of the Host State concerning the Foreign Investment Contracts
- Compensation for the Breach of Foreign Investment Contracts
- The UN International Law Commission and the Common Natural Resources

Special Issue: Oil and Gas Law in National and International Systems

- The Companionship of the Energy Sector and WTO Regulations: Facts, Challenges and Prospects
- Stabilization Clause in the Sample Contracts of Detection and Derivation of Petroleum
- Oil Companies in Iran and the Problem of Diplomatic Protection
- Private Ownership in the Case of Oil and Gas Resources under the USA Law
- Investment Dispute Settlement in Energy Charter Treaty (ECT) and Legal effects of Iran's Accession thereto

Critique and Presentation

- A Critical Analysis of 'The Procedure Act of the Administrative Court of Justice'
- Some Critics on the Parliament's Draft Concerning Change of the UN's Headquarter
- Copenhagen Conference (2009) and Combating the Climate Change

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study